

روایت‌هایی از یک هلال سرخ

امدادگران ایرانی هم دست به قلم شده و نوشته‌اند، نویسندگانی هم سراغ نوشتن رمان‌هایی رفته‌اند که شخصیت آنها امدادگر باشد، اما این موضوع هم مثل خیلی موضوعات دیگر در داستان جنگ آن‌طور که باید پرداخت نشده است.

یکشنبه آخر

نویسنده: معصومه رامهریزی

«یکشنبه آخر» کتابی است که معصومه رامهریزی، یک زن رزمنده در آن از خاطرات خود حرف می‌زند. او در سال‌های جنگ، دفترچه یادداشت کوچکی داشته است که به گفته خود گاه‌وبیگاه چیزهایی در آن می‌نوشته است. این

دختر خرمشهری با شروع جنگ پا به جبهه می‌گذارد و تا پایان عمر و بهترین لحظات زندگی‌اش را صرف کمک به رزمندگان می‌کند. این کتاب دارای لحنی ساده و صمیمی است که باعث می‌شود مخاطبی که با جنگ فاصله گرفته بار دیگر عظمت آن را احساس کند. ماجرای کتاب یکشنبه آخر کاملاً مستند است و نویسنده آن را با حوادث اجتماعی پیوند زده است؛ هرچند عناصری همانند روزنامه‌ها یا رادیو در این کتاب غایب هستند و بهتر بود رامهریزی برای این که فضای آن روز را به شکلی شیواتر شرح دهد، به این جنبه‌ها نیز توجه می‌کرد. همچنین در خاطره‌نویسی حس‌های فیزیکی همچون رنگ‌وبو و توصیفات، می‌تواند در ترسیم فضای اجتماعی مفید باشند. کتاب حاضر در این موضوع موفق بوده و کار نویسنده آن، راضی‌کننده به نظر می‌رسد. از طرف دیگر نگاه طنزآمیز راوی خاطرات در آن طنز تلخی ایجاد کرده که جالب توجه است؛ او در سخت‌ترین شرایط هم لبخند را فراموش نکرده و امیدوار بوده است.

از چنده‌لا تا جنگ

نویسنده: گلستان جعفریان

نویسنده سراغ شمس‌ی سبحانی رفته و خاطرات او را در کتاب «از چنده‌لا تا جنگ» تألیف و تدوین کرده است. در سرگذشت خانم سبحانی آمده است که از آغاز جنگ ایران و عراق تا اواخر سال ۱۳۶۴ در

مناطق جنگی جنوب، به‌عنوان نیروی داوطلب سپاه به امدادرسانی مجروحان جنگی پرداخته و در کتابش راوی خاطرات تلخ و شیرین خود از ایام حضور در جبهه‌های جنگ است. سبحانی در این کتاب همچنین به ذکر خاطراتی از دوران کودکی، مبارزات انقلابی، حضور در کردستان، مناطق جنگی جنوب، حضور در عملیات‌های فتح‌المبین، بیت‌المقدس، خیبر و... اشاره می‌کند. «از چنده‌لا تا جنگ» خاطراتی از دوران کودکی، مبارزات انقلابی، دوران آموزش امدادگری در بیمارستان لقمان، اعدام پاسداران توسط کومله‌ها، نفوذ یکی از نیروهای کومله در بیمارستان... اکبر، بازدید از مناطق آزادشده و عملیاتی هویزه و محل شهادت دکتر چمران در دهلاویه، راه‌اندازی بخش رختشویخانه بیمارستان شهید کلانتری اندیمشک توسط راوی و خاطراتی از آن روزها، مسلمان شدن یکی از نیروهای امدادگر مسیحی، ازدواج راوی با یکی از نیروهای سپاهی و... را در خود جای داده است.

کفش‌های سرگردان

نویسنده: سهیلا فرجام‌فر

سهیلا فرجامی برای ادامه تحصیل در دانشکده پرستاری نیروی هوایی در تهران به سر می‌برد که زمزمه‌های آغاز جنگ از سوی عراق نواخته شد. او که اصالتاً آبادانی بود در شروع جنگ در دزفول مشغول خدمت بود و همچنان به کار خود ادامه داد. او در دوران جنگ در شهرهای آبادان، خرمشهر، بهبهان، تهران و دزفول به‌عنوان پرستار فعالیت داشت و در این راه راوی خاطرات بی‌شماری شد که تنها بخشی از آنها در کتاب «کفش‌های سرگردان» منتشر شده است. این کتاب را نیز سوره مهر منتشر کرده و تاکنون شش چاپ را پشت سر گذاشته و بیش از ۱۲ هزار نسخه آن منتشر شده است. کاربران شبکه اجتماعی گودریدز این اثر را هم پسندیده و چهار ستاره به آن داده‌اند.



مردی بادکمه سردست‌های سواروفسکی

نویسنده: میترا زارع

این رمان درباره پزشکان و امدادگران صلیب سرخ و هلال احمر است که به مردمان محروم امدادرسانی می‌کنند. روایت داستان نیز توسط چند راوی انجام می‌شود که مردی به نام آریا و زنی به نام ژز از جمله این راوی‌ها هستند. عناوین فصول اصلی این کتاب به ترتیب عبارتند از: «هند. گوا»، «هند. گوا. بیمارستان. آریا»، «صلیب سرخ جهانی. آریا»، «سوریه. حلب»، «مرز سوریه و ترکیه. آریا»، «استانبول. بیمارستان. ژز»، «ترکیه. آدانا. آریا»، «استانبول. تنگه بسفر. آریا»، «استانبول. هتل. ژز»، «استانبول. هتل. صبح»، «استانبول. هلال احمر»، «استانبول. هتل. ژز»، «سوریه. ماموریت» و «ایران. تهران». که این فصل بندی هر خواننده‌ای را ترغیب می‌کند سراز این شیوه نامگذاری که نویسنده برای کتابش برگزیده در بیاورد.



خاطرات ایران

نویسنده: شیوا سجادی

یکی دیگر از آثار این عرصه کتاب «خاطرات ایران» است که خاطرات تکنیسین بیهوشی، ایران ترابی از روزهای جنگ تحمیلی است. این کتاب را شیوا سجادی تدوین کرده و شرح کاملی از زندگی ایران ترابی است که اوج جوانی‌اش را در بیمارستان‌های مناطق جنگی گذرانده است. از نکات جالب درباره این زن این است که جزو اولین گروه پزشکی است که به مناطق جنگی اعزام می‌شود. شرایط سخت جنگ از ایران ترابی یک تکنیسین بیهوشی زن می‌سازد. در روزهای آغازین جنگ تحمیلی، ایران که حدوداً ۲۴ ساله بود داوطلب رفتن به مناطق مورد هجوم می‌شود؛ روزهایی که هنوز برنامه دفاعی منسجمی برای مقابله با این حمله نبوده است.



جملات

معیت‌های جهانی صلیب سرخ و هلال احمر طبعاً با همه یک آنچه در این صحنه‌های واقعی می‌گذرد آن قدر بالاست که این را خود به خود روایت کرده و گویی داستانی نوشته‌اند امدادگران از ادبیات جنگ در جهان و ایران خیلی کمتر از این حوزه.



لبخند بزن

بین هبلی

لبخند بزن»

واندنی است که بر

گی واقعی دختران

صلیب سرخ در جنگ جهانی

ه شده است.

خوبی را برای

هنش تجسم

خوبی در

به دست

دش از جنگ

برمی‌گردد و

زدواج می‌کنند.



حومه بوستون می‌گیرند و آنجا زندگی‌شان را می‌سازند. اما تمام این رویاهای زیبا ن می‌رود، هواپیمای دنی جایی در آسمان دشمن قرار گرفته و مفقود شده است. برنامه‌های فیونا تغییر می‌کند. فیونا اند چه برسر دنی آمده است. او همراه بادو می‌اش به نیروهای داوطلب صلیب سرخ آنجا با زنانی شجاع آشنا می‌شوند که با زندگی را کمی برای سربازان بهتر کنند. نتانش شجاعند اما هنوز با واقعیت‌های شده‌اند. دوستی آنها باعث می‌شود تا در روزهای زندگی در کنار یکدیگر ایستادگی به‌هایشان قوی‌تر شود.

ین داستان زیبا را براساس خاطرات نرهای کلاب موبیل‌های صلیب سرخ در دوم نوشته و کتابش را هم به آنها تقدیم